

آدینه‌ها



□ آدینه‌ها

دعای سبز سحر

«ندبه» می‌شود

خورشید دردمند

با آسمان، آشنا می‌شود

آدینه‌ها

به غربت نشستنی‌ما،

تماشایی است

اوج غروبِ غربت

و

آغاز تنهایی است

آدینه‌ها

غریبانه، آسمان دل

می‌گیرد

دل در، غم یتیمی و غربی خود

می‌میرد

آری

□ آدینه‌ها، سحر

هزار بارقه می‌شکفت

امید آمدنش

دل شکسته را

می‌شکفت

آدینه‌ها، سحر

تمام دل‌ها رویایی است

سفر به پایانِ شب‌های یلدایی است

آدینه‌ها، سحر

بهار شکوفایی است

پایان تنهایی و

خزان شیدایی است

آدینه‌ها، سحر

عطر گل

در فضا می‌پیچد

به امید آمدن

گل نرگس

به خود می‌پیچد

آدینه‌ها، سحر

پایان غربت است

اما، نیامدش

آغاز غربت است

آدینه‌ها، سحر

آغاز بیعت است

آغاز مرثیه حسرت پرواز است

آدینه‌ها، سحر

زمان عبور از مرز التهاب





لحظه‌های ناب آمدن است
□ آدینه‌ها
روز شکفتن
روز رهاشدن
روز دُلُ بفرمانی است

آری
□ آدینه‌ها، غروب
جشن آفتاب می‌میرد
گوی
دل تمام عالم می‌گیرد
آدینه‌ها، غروب
انار سرخ دلم می‌ترکد
آری
دل نشسته به خون می‌ترکد
آدینه‌ها، غروب
دلم همدم آلاله‌ها می‌گردد
هم نوا، با شقایق‌ها می‌گردید
آدینه‌ها، غروب
دل‌ها، شکسته‌تر از باران است
زمانِ تکرار
حدیثِ غربت یاران است
آدینه‌ها، غروب
آغاز تنهایی است
زمانِ عادت نمودن

به داغ تنهایی است
آدینه‌ها، غروب
آغاز بی‌قراری می‌آید
آغاز جست‌وجوی بهار
از صراطِ انتظار می‌آید
آدینه‌ها، غروب
دلم می‌شکند
سیاهی قلبم
به سرخی خورشید می‌شکند
آدینه‌ها، غروب
گل‌های سرخ دل
پژمرده می‌شود
آری،
دل نشسته به انتظار
پژمرده می‌شود
آدینه‌ها، غروب
آغاز هجرت است
آغاز رفتن بهار
آغاز غربت است
آدینه‌ها
آقا!
بیا و غربت ما را نظاره کن
آقا!
بیا و یتیمی ما را تو چاره کن

